

بررسی نگرش دانش آموزان متوسطه پیرامون ازدواج و مقایسه آن با نمونه مورد مطالعه در سال ۱۳۵۳^۱

محمود بحرانی*

چکیده

هدف این تحقیق بررسی نگرش دانش آموزان متوسطه درباره ازدواج و مقایسه نتایج تحقیق مشابهی بوده که در سال ۱۳۵۳ ارایه شده است. نمونه مورد بررسی در این تحقیق شامل ۲۴۴۶ دانش آموز دختر و پسر پایه‌های دوم و سوم متوسطه استان فارس بوده‌اند که از شیراز و ۵ شهر دیگر انتخاب شده‌اند.

در این تحقیق نگرش دانش آموزان متوسطه درباره مسایل مختلف مربوط به ازدواج و انتخاب همسر مورد بررسی قرار گرفته و به شکل جداول فراوانی پاسخ‌ها ارایه شده و با نتایج تحقیق مشابه قبلی مقایسه شده‌اند. از جمله این موارد مشکلات ازدواج، هدف ازدواج، سن مطلوب ازدواج، ویژگی‌های فردی و خانوادگی مطلوب همسر آینده و تعداد مطلوب فرزندان می‌باشد. نتایج حاکی از گرایش به آزادی عمل بیشتر در انتخاب همسر، افزایش سن ازدواج و میانگین ۲ الی ۲/۵ فرزند برای نسل آینده است.

۱- گزارش طرح شماره‌ی C۱۳۶-۱۳۹۱-PC - ۷۹ شورای تحقیقات دانشگاه شیراز.

* مرکز جمعیت‌شناسی دانشگاه شیراز.

واژه‌های کلیدی: ازدواج، نوجوانی، انتخاب همسر، رشد جمعیت

مقدمه

ازدواج و تشکیل خانواده یک پدیده اجتماعی است که تداوم نسل و بقای جامعه را تضمین می‌کند. آلن ژیرار^۱ در باب اهمیت ازدواج در اثر خود تحت عنوان "گزینش همسر در فرانسه معاصر" می‌نویسد: در بین تمامی مراسم، آداب و حوادث اساسی حیات انسانی، ازدواج از اهمیت بسزایی برخوردار است، هم از نظر نگاه فرد، هم از دیدگاه زیستی و هم از منظر اجتماعی، هیچ نهادی نیست که همانند آن جهانی و از نظر غایت ثابت و پایدار باشد. از این رو هیچ نهادی همانند آن تحت تأثیر دگرگونی‌های اجتماعی قرار نمی‌گیرد، پس زناشویی کنش ساده با مقصود یگانه نیست، بلکه عملی است پیچیده با هدف‌های متعدد که این هدفها در مجموع یک کلیت را بوجود می‌آورند (به نقل از ساروخانی، ص ۱).

آرتور فیلیس^۲ معتقد است که ازدواج شرکتی است میان دو انسان به منظور تأمین نیازهای متقابل و زادن و پرورش فرزندان^۳. به گمان گوئتر^۴ انگیزه‌های اصلی ازدواج را میتوان گرایش‌های دوسویه موجودات بشری به جنس مخالف، نیاز به همکاری دو جانبه در پیکار برای زیستن، میل به داشتن فرزند و ادامه نسل دانست. با رشد و تحولات بدنی و رسیدن به دوره نوجوانی، کم‌کم نقش‌های جنسیتی شکل می‌گیرد و نوجوان رویکردی به آینده پیدا می‌کند. در سنین دوره متوسطه این توجهات قوی‌تر شده و حتی بعضی نوجوانان شریک آینده‌زندگی خود هم انتخاب می‌کنند. از این رو ایده‌های ازدواج در این سنین قابل بررسی است و نوجوانان و جوانان خط مشی‌های کلی ازدواج را در ذهن خود ترسیم می‌نمایند. بر این اساس بررسی دیدگاه‌های دانش‌آموزان دوره متوسطه، چشم‌اندازی به آینده پدیده ازدواج در جامعه داشته و متغیرهای مرتبط با آن مثل تعداد فرزندان و رشد جمعیت نیز از این منظر قابل بررسی است. با این جهت‌گیری، این پژوهش به بررسی و مقایسه نقطه نظرات دانش‌آموزان دوره متوسطه در دوره زمانی قبل و بعد از انقلاب درباره ازدواج و تشکیل خانواده پرداخته است.

1. A. Girard
2. A. Philips
3. H. F. Gunther

بعضی رویکردهای نظری درباره ازدواج

از جمله رویکردهای نظری درباره ازدواج دو نظریه "بازار ازدواج"^۱ و "نظریه مبادله"^۲ است. رویکرد اول معتقد است که ویژگی‌های بازار ازدواج همراه با کم و کیف بالقوه زوجین بر ترجیحات اولیه همسر گزینی تأثیر می‌گذارد. افرادی که در بازار ازدواج در وضعیت برتری قرار دارند با داشتن خواستگاری‌های متعدد شاید انگیزه کمی دارند که با افراد غیر مشابه یا دارای صفات نامطلوب شرایط خود را وفق دهند. در مقابل افرادی که حق انتخاب‌های کمی دارند مثل زنان تحصیل کرده سیاهپوست، ممکن است نه تنها به باقی افراد مجرد پاسخ مثبت دهند بلکه به هر کس دیگری هم که تصور شود درصد ازدواج است راضی شوند (سات، ۱۹۹۱).^۳

تئوری مبادله بر منابعی تأکید می‌کند که افراد می‌توانند برای به حداکثر رساندن پاداش‌ها مبادله و دادوستد کنند از جمله روشن‌ترین تبیین‌ها در این زمینه توسط ادوارد^۴ (۱۹۶۹) صورت گرفته است. رویکرد او به حداکثر رساندن مطلوبیت برای توضیح تجانس بین ویژگی‌های افرادی است که یکدیگر را برای ازدواج بر می‌گزینند و از چهار گزاره به هم پیوسته تشکیل شده است: الف) افراد در شرایط ازدواج بدنبال شرکایی می‌گردند که پاداش‌های ازدواج را به حداکثر برساند. ب) افراد با منابع برابر بیشتر احتمال دارد که پاداش‌های یکدیگر را به حداکثر برسانند چون هر یک می‌خواهند افراد دارای منابع کمتر را رد کنند. ج) زوج‌های با منابع برابر بیشتر احتمال دارد خصوصیات شبیه به هم داشته باشند. د) ازدواج‌ها بیشتر به سمت متجانس بودن سوق می‌یابند (به نقل از ولدرج،^۵ ۱۹۸۹).

تحقیقات کلاسیک کیزلی دیویس^۶ (۱۹۴۱) و رابرت مرتون^۷ (۱۹۴۱) نمونه روشنی از رویکرد مبادله است آنها ادعا می‌کنند اغلب ازدواج‌های سیاه - سفید در ایالات متحده بین مردان سیاهپوست و زنان سفیدپوست صورت گرفته، زیرا چنین ازدواج‌هایی شامل مبادله وضعیت اقتصادی بالاتر داماد و طبقه اجتماعی عروس است.

1. Marriage Market
2. Exchange Theory
3. Scott j. South
4. John N. Edwards
5. Johan Wooldredge
6. Kingsley Davis
7. Robert K. Merton

اما دلایل تجربی که نشان دهد خصیصه‌ای با خصیصه دیگر مبادله می‌شود ضعیف هستند. الدر^۱ (۱۹۶۹) طی یک مطالعه طولی روی ۸۳ زن جوان دریافت که زنانی که از طریق ازدواج تحرک طبقاتی به سمت بالا داشته‌اند دارای ویژگی جذابیت فیزیکی بوده‌اند هر چند عامل‌های دیگر مثل انگیزش هم مؤثر بوده‌اند. از سوی دیگر تحقیقات کلان در زمینه ازدواج مثل تحقیق رابین^۲ (۱۹۶۸) و گلن، روس و تولی^۳ (۱۹۷۴) نتوانست الگوی پایداری برای ازدواج زنان با مردان دارای شرایط اقتصادی بالاتر را نشان دهد.

در مقابل نظریه‌های فوق که میتوان آنها را در مجموع نظریه "ناهمسان همسری" نامید، نظریه دیگری بنام "همسان همسری" وجود دارد. این گروه نظریه پردازان همسان همسری را قاعده جهانی همسرگزینی می‌دانند. باورمن^۴ می‌گوید: "انسان دانسته یا ندانسته در پی‌گزینش همسری است که صفاتی همگون با او داشته باشد." و آنگاه چنین نتیجه می‌گیرد که: "افراد در تمامی سنین، در میدانی فراخ‌تر از آن که تصادف بتواند بر آن کارگر باشد، با کسانی وصلت می‌کنند که از نظر موقعیت زناشویی همانند خودشان باشند." به گمان لاک و برگس^۵ "در هر لحظه بخت هر فرد بیشتر در راستای ازدواجی همسان‌گزینه عمل می‌کند تا ناهمسان‌گزین". گرچه می‌گویند: "عشق سدها را می‌شکند" اما باید توجه کرد که گرایش‌های دیگری هستند که ما را به سوی انتخاب کسی می‌کشاند که هم دین، هم نژاد و به هر حال وابسته به گروه‌های فرهنگی و اجتماعی خود ماست (ساروخانی، ص ۴۰). والر^۶ نیز در گفتاری به نام زناشویی‌های درون‌گروهی تأکید می‌کند که: مهمترین واقعه در امر همسرگزینی، گرایش آن به سوی وصلت‌های در مجموع همسان است. و این بدان معناست که ما خواهان ازدواج در طبقه خویشیم (منبع قبلی، ص ۵۹).

نهاد ازدواج که بنیان خانواده بر آن قرار دارد در نتیجه پژوهش‌های جدید تاریخی جمعیت‌شناسی و مردم‌شناسی بهتر شناخته شده است... بررسی نحوه تشکیل هسته زناشویی باعث می‌شود تا تغییراتی که در نهاد خانواده بروز کرده و به دگرگونی‌های ناشی از فرآیند توسعه صنعتی و شهرنشینی ارتباط دارند برابمان قابل درک شوند (مارتین سگالن، ص ۱۲۶).

1. Glen H. Ir. Elder

2. Zick Rubin

3. Norval D. Glenn, A. A. Ross, and J. C. Tully

4. C. E. Bowerman

5. H. J. Lock and W. Burgess

6. W. Waller

پدیده ازدواج و گزینش همسر وقتی که از بعد تغییر و تحولات بوجود آمده در نگرش‌های مرتبط با آن مورد بررسی قرار گیرد، نمودی از تحولات اجتماعی و فرهنگی خواهد بود. هدف از این پژوهش بررسی گرایش‌ها و تمایلات جوانان در زمینه ازدواج و همسرگزینی و دنبال کردن سیر تحولات بوجود آمده در این باره است که از طریق مقایسه نتایج این تحقیق و تحقیق مشابهی صورت می‌گیرد که حدود ۲۸ سال پیش بر روی نمونه‌ای از دانش‌آموزان متوسطه در استان فارس توسط مه‌ریار و تشکری (۱۳۵۴) بعمل آمده است. این طرح همچنین با تحلیل نظرات جوانان درباره سن مطلوب ازدواج و تعداد مطلوب فرزندان، چشم اندازی به دورنمای جمعیت خانوار و رشد جمعیت در آینده دارد.

انتظار می‌رود با رشد آگاهی‌های عمومی با گذشت زمان:

- ۱- استقلال خواهی در انتخاب همسر افزایش یافته باشد.
- ۲- تمایل به شناخت متقابل برای تصمیم‌گیری در انتخاب همسر بیشتر شده باشد.
- ۳- جنبه‌های عقلانی و اجتماعی بر اهداف احساسی وزودگذر همسرگزینی ترجیح داده شود.
- ۴- نگرش نوجوانان به تعداد مطلوب فرزندان در نسل آینده به سمت کاهش تعداد مطلوب فرزندان سوق یافته باشد.

بر این اساس سوالات تحقیق به شرح زیر می‌باشد:

- ۱- مشکلات اصلی ازدواج از نظر دختران و پسران کدامند؟
- ۲- الگوی تصمیم‌گیری در انتخاب همسر طی دو نسل متوالی چه تغییراتی یافته است؟
- ۳- هنجارهای فرهنگی، اجتماعی و جذابیت‌های فیزیکی چه نقشی در تعیین همسر دارند؟
- ۴- میانگین سن ازدواج و تعداد فرزندان در نگرش نسل جوان و والدین فسردهای جامعه چیست؟

روش تحقیق

جامعه آماری و حجم نمونه

در این تحقیق جامعه آماری شامل دانش‌آموزان پایه دوم و سوم متوسطه استان فارس بوده است. حجم نمونه با توجه به جدول پیشنهادی لین (۱۹۷۸) ابتدا ۲۳۵۰ نفر در نظر گرفته شد و در عمل یک نمونه ۲۴۴۶ نفری مورد مطالعه قرار گرفتند. نمونه‌گیری به شیوه خوشه‌ای چند

مرحله‌ای صورت گرفته است. بدین ترتیب که در مرحله اول شیراز و مرودشت و ۴ شهر دیگر استان فارس برگزیده شدند. از آنجا که مقایسه نتایج این تحقیق با تحقیقی که در قبل در این زمینه صورت گرفته (مهریار و لشکری، ۱۳۵۳) از اهداف اصلی پژوهش حاضر بوده است، در نمونه‌گیری تحقیق حاضر انتخاب شهرهای شیراز و مرودشت و همچنین دبیرستان عشایری که جامعه آماری تحقیق قبلی را تشکیل می‌دادند عمدی بوده است تا امکان مقایسه نتایج فراهم گردد. اما جامعه آماری تحقیق حاضر به چهار شهرستان دیگر نیز گسترش یافته تا قابلیت تعمیم نتایج افزایش یابد. این شهرها شامل فسا، جهرم، لامرد و کازرون بودند که بطور تصادفی از بین فهرست شهرستان‌های استان فارس انتخاب شدند.

در مرحله بعد از هر شهر و نیز نواحی چهارگانه آموزش و پرورش شیراز یک دبیرستان دخترانه و پسرانه، یک مدرسه فنی‌وحرفه‌ای دخترانه و پسرانه و نیز یک مدرسه کار و دانش دخترانه و پسرانه بصورت تصادفی انتخاب شدند. سپس از هر یک از مدارس و در دبیرستانها از هر یک از سه رشته ریاضی، تجربی و انسانی یک کلاس دوم و یک کلاس سوم باز هم بطور تصادفی انتخاب شدند و به تناسب سهم هر شهر در نمونه، بین ۱۰ تا ۲۰ نفر از دانش‌آموزان آن کلاس در ردیف نمونه تحقیق قرار گرفتند. به این ترتیب سعی شد تا سهم نسبی دختران و پسران رشته‌های مختلف و همچنین پایه‌های دوم و سوم و شهرهای مختلف در نمونه متناسب با سهم واقعی آنها در جامعه آماری باشد و نمونه مورد مطالعه از ویژگی معرف بودن بیشتری برخوردار باشد.

روش جمع‌آوری اطلاعات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

ابزار جمع‌آوری اطلاعات در این تحقیق پرسشنامه خود گزارشی بوده که توسط محقق طرح شده است. البته با توجه به اینکه یکی از اهداف این طرح مقایسه نتایج بدست آمده از این پژوهش با نتایج پژوهشی بوده است که در همین زمینه در سال ۱۳۵۴ بعمل آمده از این رو سؤالات پرسشنامه کم و بیش مطابق تحقیق قبلی طرح شده‌اند تا مقایسه نتایج دو تحقیق به سادگی امکان‌پذیر باشد.

تحلیل نتایج

توزیع فراوانی آزمودنیها

جدول شماره ۱ توزیع فراوانی آزمودنیهای نمونه تحقیق را به تفکیک شهرستان محل سکونت، جنسیت، رشته و پایه تحصیلی نشان می‌دهد. مقایسه درصد نسبی آزمودنیهای نمونه

تحقیق در ردیف آخر این جدول گویای آن است که نسبت دختران و پسران در نمونه مورد مطالعه نزدیک به هم است. همچنین سهم دانش آموزان رشته‌های مختلف در نمونه تحقیق تفاوت اندکی داشته و در پایه‌های دوم و سوم متوسطه شاید به یک اندازه است. اختلاف اندکی که بین آمار کل آزمودنیها در هر یک از بخشهای جنسیت، رشته تحصیلی و پایه تحصیلی مشاهده می‌شود ناشی از کنار گذاشتن موارد "بدون جواب" (Missing) است.

جدول ۱: توزیع فراوانی آزمودنیها به تفکیک شهرستان محل سکونت جنسیت،

رشته و پایه تحصیلی

شهرستان	جنسیت		رشته تحصیلی				پایه تحصیلی		
	دختر	پسر	ریاضی	تجربی	انسانی	فنی و حرفه‌ای	کار و دانش	پایه دوم	پایه سوم
شیراز	۴۰۷	۴۵۲	۲۱۵	۱۸۴	۱۴۹	۱۵۷	۱۵۵	۴۵۵	۳۹۸
مرودشت	۲۰۳	۲۰۵	۸۲	۸۳	۷۹	۶۲	۱۰۲	۱۹۳	۲۱۴
فسا	۱۴۷	۱۵۵	۵۹	۵۹	۶۷	۶۱	۵۸	۱۵۲	۱۵۲
جهرم	۱۶۵	۱۶۸	۶۷	۶۶	۶۹	۶۷	۶۸	۱۷۱	۱۶۷
کازرون	۱۳۷	۱۴۳	۵۶	۵۶	۵۹	۵۹	۵۹	۱۳۰	۱۴۶
لامرد	۱۰۹	۱۱۲	۴۸	۴۶	۴۸	۳۲	۴۹	۹۲	۱۲۷
جمع ستونی	۱۱۶۸	۱۲۳۵	۵۲۷	۴۹۴	۴۷۱	۴۳۸	۴۹۱	۱۱۹۳	۱۲۰۴
درصد نسبی	۴۸/۶	۵۱/۴	۲۱/۸	۲۰/۴	۱۹/۵	۱۸/۱	۲۰/۳	۴۹/۸	۵۰/۲

در ادامه به بررسی پاسخ‌های آزمودنیها به هر یک از سؤالات پرسشنامه می‌پردازیم و ضمن ارایه جداول مربوط به چگونگی توزیع پاسخ‌های دانش آموزان برای گزینه‌های مختلف یک سؤال به مقایسه درصد فراوانی پاسخ‌های دختران و پسران و نیز مقایسه درصد فراوانی پاسخ‌های نمونه جاری و نمونه مورد بررسی در تحقیق پیشین مبادرت خواهد شد.

مشکلات ازدواج از نظر دانش آموزان

در جدول شماره ۲ بزرگترین مشکل ازدواج از دید آزمودنیها مورد بررسی قرار گرفته است. ارقام مربوط به درصد فراوانی نسبی پاسخ‌ها در این جدول نشان می‌دهد که در تحقیق جاری

از نظر پسران مهمترین مشکلات ازدواج به ترتیب "بی پولی" و "سختگیری خانواده‌ها" بوده است در حالیکه از دیدگاه دختران "توقع زیاد جوانان" و سپس "نیافتن همسر مناسب" بیشتر به عنوان مشکل ازدواج مطرح شده است. مقایسه فراوانی پاسخ‌ها در دو نمونه نشان می‌دهد که در پژوهش قبلی (سال ۱۳۵۳) هم "بی پولی" با فراوانی ۲۴٫۶ درصد مهمترین مشکل از دیدگاه پسران بوده اما فراوانی آن در پژوهش حاضر (۴۷٪) تقریباً به دو برابر زمان قبل رسیده است. در الگوی پاسخ دختران دگرگونی بیشتری مشاهده می‌شود. در حالیکه "نیافتن همسر مناسب" در نمونه جاری با فراوانی ۲۴/۸ درصد در مرتبه دوم اهمیت قرار دارد، در زمان گذشته فراوانی آن ۹/۴ درصد بوده است و در ردیف کم اهمیت‌ترین مشکلات ازدواج بوده است. شاید این تغییر ناشی از پیچیده‌تر شدن جوامع و همچنین نقش فعال‌تر دختران در انتخاب همسر باشد که امروزه از قدرت تصمیم‌گیری بیشتری در این زمینه برخوردارند. این مطلب را در سؤال بعدی درباره چگونگی انتخاب همسر دنبال می‌کنیم.

جدول ۲: درصد فراوانی پاسخهای مختلف آزمودنیها درباره مشکلات ازدواج

مشکلات	نتایج این پژوهش		نتایج پژوهش قبلی (۱۳۵۳)	
	پسران	دختران	پسران	دختران
نیافتن همسر مناسب	۱۰/۵	۲۴/۸	۷/۰	۹/۴
سختگیری خانواده‌ها	۲۱/۵	۲۳/۳	۱۹/۶	۲۰/۸
مشکل مسکن	۱۰/۸	۲/۶	۱۳/۹	۷/۸
توقع زیاد جوانان	۱۰/۲۰	۲۷/۵	۱۴/۲	۱۷/۹
بی پولی	۴۷/۰	۲۱/۸	۲۴/۶	۱۸/۰

گرایش‌های مختلف در انتخاب همسر

تمایل دانش‌آموزان درباره چگونگی انتخاب همسر آینده خود در جدول شماره ۳ نشان داده شده است. چنانکه در این جدول ملاحظه می‌شود نتایج بررسی جاری نشان می‌دهد حدود $\frac{2}{3}$ دانش‌آموزان (۶۶/۴ درصد از دختران و ۶۵/۵ درصد از پسران) ترجیح می‌دهند همسر خود را "با تصمیم شخصی و مشورت با والدین" انتخاب کنند. در حالیکه در نمونه سال ۱۳۵۳، $\frac{1}{3}$ آنان این

گزینه را انتخاب کرده‌اند. دختران بیشتر ترجیح داده‌اند که والدین برای آنان همسر انتخاب کنند ولی با مشورت آنان باشد (۳۹/۵ درصد). البته از فراوانی گزینه اول یعنی "انتخاب شخصی بدون دخالت والدین" هم اندکی کاسته شده است.

تحقیقی که توسط ایکسیاه و کینگ‌ویت^۱ (۱۹۹۰) روی یک نمونه چینی صورت گرفت نیز نشان داد که تسلط والدین در تعیین همسر برای فرزندان از ۶۰ الی ۷۰ درصد در دهه ۱۹۵۰ به کمتر از ۱۰ درصد در دهه ۱۹۸۰ کاهش یافته است. این روند که آنرا انقلابی جهانی در گزینش همسر خوانده‌اند، افزایش آزادی انتخاب در ازدواج و یا به عبارتی "ازدواج‌های عاشقانه"^۲ را موجب شده است و از ازدواج‌های "تنظیم شده"^۳ یا فرمایشی کاسته است. تأثیر این تحولات بر خوشبختی و دوام بنیان خانواده به گونه‌های مختلفی ارزیابی شده است. سنت‌گرایان با اشاره به نرخ بالای طلاق در جوامع مدرن که آزادی انتخاب همسر از ویژگی‌های آن است، آنرا دلیل ناکارآمدی ازدواج‌های عاشقانه می‌دانند و معتقدند: "ازدواج‌های عاشقانه به گرمی پا می‌گیرد و به سردی می‌گراید، در حالیکه ازدواج‌های تنظیم شده به سردی بنا می‌شود ولی رو به گرمی می‌گذارد." آنان شواهدی را ذکر می‌کنند که نشان می‌دهد در جوامع غربی در طی دوره ازدواج از میزان خوشبختی و رضایت زوجین کاسته می‌شود (به نقل از ایکسیاه و کینگ‌ویت، ۱۹۹۰).

اما در تحقیقی توسط بلود^۴ (۱۹۶۷) دو گروه ازدواج‌های عاشقانه و ازدواج‌های تنظیم شده در توکیو مورد مقایسه قرار گرفت. وی الگوی شروع سرد و به گرمی گراییدن را در ازدواج‌های تنظیم شده مشاهده نکرد، بلکه در هر دو نوع ازدواج خط سیر نزولی به سمت اظهار عشق و علاقه کمتر و رضایت کمتر وجود داشت (به نقل از منبع قبلی)، تحقیق ایکسیاه و کینگ‌ویت در مورد رضایت‌مندی زنان نیز نتایج مشابهی را در پی داشت. آنان پی بردند که ازدواج‌های عاشقانه (انتخاب آزادانه همسر) نسبت به ازدواج‌های تنظیم شده رضایت‌مندی بیشتری را برای زنان در پی داشته و در فواصل مختلف از شروع ازدواج این تفاوت‌ها پا برجا بود. اوج رضایت‌مندی در هر دو گروه فاصله ۲۰-۲۵ سال از ازدواج بود و بعد از آن از میزان رضایت‌مندی کاسته می‌شد.

1. Xu Xiaohu and Mrtin King Whyte
2. Love Matches
3. Arranged Marriage
4. Robert o. Jr. Blood

جدول ۳: درصد فراوانی گرایش‌های مختلف برای انتخاب همسر

نتایج پژوهش قبلی (۱۳۵۳)		نتایج این پژوهش		نوع گرایش
دختران	پسران	دختران	پسران	
۸/۰	۱۲/۵	۶/۶	۱۱/۶	انتخاب شخصی بدون دخالت والدین
۳۳/۴	۳۴/۰	۶۶/۴	۶۵/۵	تصمیم شخصی و مشورت با والدین
۱۳/۵	۱۷/۲	۱۵/۵	۱۳/۶	تصمیم شخصی و توجه کامل به خواست والدین
۳۹/۵	۲۷/۰	۱۱/۶	۹/۴	انتخاب والدین با مشورت من

معاشرت قبل از ازدواج

برای اینکه افراد بتوانند خود به تنهایی همسر آینده خود را برگزینند به فرصتهایی نیاز است که بتواند ضمن معاشرت یکدیگر را بشناسند. اما در فرهنگ ما چنین فرصت‌هایی چندان مجاز نیست. بنابراین باید دید دانش آموزان نمونه تحقیق در این باره چه احساسی دارند و معاشرت قبل از ازدواج را چگونه و در چه سطحی می‌پسندند. جدول شماره ۴ بیانگر آن است که در مجموع ۵۲/۶ درصد پسران و ۵۸/۹ درصد دختران معاشرت قبل از ازدواج را فقط در حد رفت و آمد خانوادگی و گفتگو در حضور خانواده می‌پسندند. ۴۰/۶ درصد دختران و ۴۱/۷ درصد پسران گفتگوهای خصوصی دختر و پسر یا تفریحات دو نفره خارج از منزل را می‌پسندند. اما تماس‌های بدنی را دختران مجاز نمی‌دانند و تنها ۵/۸ درصد پسران آن را مجاز دانسته‌اند. در تحقیق قبلی بجای تماس‌های بدنی، رابطه جنسی مطرح شده بود که در اینجا طرح آن مصلحت نبود. اما قابل ذکر است که ۱۱ درصد دختران و ۳۰/۷ درصد پسران در آن تحقیق موافق رابطه جنسی قبل از ازدواج و بقیه مخالف بوده‌اند. همچنین در آن تحقیق ۹۳/۲ درصد دختران و ۹۳/۰ درصد پسران به طور کلی موافق معاشرت قبل از ازدواج بوده‌اند اما در مورد کم و کیف آن سوالی نشده است.

جدول ۴: درصد فراوانی پاسخ آزمودنیها در مورد چگونگی معاشرت قبل از ازدواج

نتایج پژوهش قبلی (۱۳۵۳)		نتایج این پژوهش		نوع معاشرت
دختران	پسران	دختران	پسران	
-	-	۳۳/۰	۳۰/۱	رفت و آمد خانوادگی
-	-	۲۵/۹	۲۲/۵	گفتگو در حضور خانواده
-	-	۲۴/۶	۲۶/۲	گفتگوی خصوصی دختر و پسر
-	-	۱۶/۲	۱۵/۵	تفریحات دو نفره خارج از منزل
۱۱/۰	۳۰/۷	۰/۳	۵/۸	تماس‌های بدنی

سن مطلوب ازدواج

جدول شماره ۵ سن مطلوب ازدواج را از نظر دانش‌آموزان نشان می‌دهد، ارقام این جدول گویای آن است که بیش از $\frac{2}{3}$ دختران زمان مناسب برای ازدواج را سنین ۲۰ تا ۲۴ سالگی می‌دانند ۱۸/۱ درصد آنان قبل از سن ۲۰ سالگی، ۱۳/۳ درصد ۲۵ تا ۲۹ سالگی و ۱/۲ درصد ۳۰ سالگی به بالا را مطلوب دانسته‌اند. اما پسران نسبت به دختران گرایش به سنین بالاتر دارند، چنانکه ۴۸/۱ درصد آنان سنین ۲۵ تا ۲۹ سال را برای ازدواج مناسب دانسته‌اند. ۳۷ درصد ۲۰ تا ۲۴ سالگی ۴ درصد زیر ۲۰ سالگی و ۸/۸ درصد سنین ۳۰ تا ۳۵ سالگی و ۲/۱ درصد نیز بالای ۳۵ سالگی را در شرایط فعلی برای ازدواج مناسب دانسته‌اند. مقایسه این رقم‌ها با ارقام مربوط به نمونه‌گیری سال ۱۳۵۳ تفاوت چندانی را در الگوی کلی توزیع فراوانیها نشان نمی‌دهد به جز اینکه در تحقیق قبلی ۶۷ درصد بیشتری از دانش‌آموزان پسر سن مطلوب ازدواج را ۳۰ سالگی و بالاتر ذکر کرده‌اند (در مجموع ۲۰/۲ درصد) درحالیکه در نمونه‌گیری جدید ۱۰/۹ درصد پسران این سنین را مطلوب می‌دانند. یافته‌های فوق گرایش به افزایش سن ازدواج را در نسل‌های جدید نشان می‌دهد. طبق آمارهای رسمی در حالیکه در کشورهای توسعه یافته نسبت زنان جوان که قبل از ۲۰ سالگی ازدواج کرده‌اند عموماً کمتر از ۵٪ است، در ایران این نسبت در سال ۱۳۵۵ حدود ۳۴/۳ درصد، در سال ۱۳۶۵ حدود ۳۳/۵ درصد (مهاجرانی، ۱۳۷۵) و در سال ۱۳۷۵ حدود ۱۹/۳ درصد بوده است (سالنامه آماری، ۱۳۷۵). بدین ترتیب هم در عمل و هم در نگرش‌ها روند تدریجی افزایش سن ازدواج را شاهد هستیم.

جدول ۵: درصد فراوانی پاسخ‌ها در مورد سن مطلوب ازدواج در شرایط فعلی

نتایج پژوهش قبلی (۱۳۵۳)		نتایج این پژوهش		سن مطلوب ازدواج
		دختران	پسران	
۱۰/۱	۱/۶	۱۸/۱	۴/۰	کمتر از ۲۰ سالگی
۶۶/۰	۲۶/۱	۶۷/۷	۳۷/۰	۲۰-۲۴
۱۱/۴	۴۱/۳	۱۳/۳	۴۸/۱	۲۵-۲۹
۰/۴	۱۵/۰	۱/۰	۸/۸	۳۰-۳۵
۱/۷	۵/۲	۰/۲	۲/۱	بیشتر از ۳۵

یادآور می‌شود در این بررسی میانگین سن مطلوب ازدواج در نظر دختران سن ۲۱/۴۹ سالگی با انحراف معیار ۲/۷۴ و در نظر پسران سن ۲۵/۰۴ سالگی با انحراف معیار ۴/۰۱ بوده است. متأسفانه در گزارش تحقیق قبلی اشاره‌ای به میانگین سن مطلوب ازدواج نشده است، بدین خاطر امکان مقایسه این رقم در دو نمونه گذشته و حال وجود ندارد.

همچنین برای اینکه مشخص شود آیا مشکلات جاری اقتصادی بر سن مطلوب ازدواج تأثیر دارد یا نه، طی سؤال دیگری از آزمودنیها پرسیده شد "اگر همه شرایط برایتان فراهم شود بهترین سن را برای ازدواج خود چه سنی می‌دانید؟" تحلیل پاسخ آزمودنیها نشان داد که هم دختران و هم پسران اگر شرایط فراهم باشند مایلند زودتر ازدواج کنند، بطوری که میانگین سن مطلوب در این شرایط برای دختران به ۲۰/۹ با انحراف معیار ۲/۷۰ و برای پسران به ۲۳/۳۲ با انحراف معیار ۳/۹۲ تقلیل می‌یابد.

به نظر می‌رسد اختلاف سن مطلوب ازدواج در نظر دختران و پسران ناشی از نوعی هنجار فرهنگی می‌باشد که قایل به تفاوت سنی زوجین یعنی کمتر بودن سن زن نسبت به سن مردی است که می‌خواهد با او ازدواج کند. این موضوع را با بررسی پاسخ آزمودنیها درباره سن دلخواه همسر آینده نسبت به سن خود فرد میتوان استنباط کرد. نگاهی به نتایج مندرج در جدول ۶ نشان می‌دهد که در مطالعه اخیر ۸۵/۷ درصد دختران و ۷۸/۵ از پسران معتقدند که باید سن زن هنگام ازدواج از سن مرد کمتر باشد. و دختران حتی بیشتر از پسران این باور را پذیرفته‌اند. تنها ۳/۲ درصد پسران و کمتر از یک درصد از دختران بر خلاف این باور نظر داده‌اند. همچنین ۱۳/۴ درصد دختران و ۱۸/۳ درصد پسران به برابری سنی زن و مرد هنگام ازدواج با یکدیگر اظهار علاقه کرده‌اند، مقایسه این نتایج با نتایج مربوط به تحقیق قبلی در جدول شماره ۶ حاکی از آن است که با گذشت زمان این باور قوت بیشتری پیدا کرده است که باید سن زن هنگام ازدواج اندکی از سن مرد کمتر باشد و از میزان تمایل به برابری سنی کاسته شده است. البته باور مخالف هم اندکی قوت گرفته چنانکه فراوانی دخترانی که به کوچکتر بودن پسران تمایل نشان داده‌اند از صفر درصد در تحقیق قبلی به ۰/۹ درصد در مطالعه اخیر رسیده و فراوانی پسران از ۰/۲ درصد به ۳/۲ درصد افزایش یافته است.

طبق آمارهای رسمی (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۱) در سال‌های ۱۳۵۵ و ۱۳۶۵ به ترتیب در ۸۵/۳ درصد از ازدواج‌ها سن مرد بیشتر بوده در ۸/۳ و ۹/۵ درصد سن مرد کمتر بوده و در ۶/۱ و ۴/۵ درصد موارد مرد و زن همسن بوده‌اند.

جدول ۶: درصد فراوانی پاسخ‌ها در مورد تفاوت سنی دلخواه همسر آینده
نسبت به سن خود فرد

نتایج پژوهش قبلی (۱۳۵۳)		نتایج این پژوهش		چگونگی تفاوت
دختران	پسران	دختران	پسران	سنی همسر
۷۸/۴	۰/۲	۸۵/۷	۳/۲	بزرگتر از من
۰/۰	۷۵/۸	۰/۹	۷۸/۵	کوچکتر از من
۱۹/۹	۲۱/۸	۱۳/۴	۱۸/۳	برابر

ویژگی‌های مطلوب همسر آینده

ردپای هنجارهای فرهنگی در گزینش همسر در ابعاد دیگری از ویژگی‌ها نیز به چشم می‌خورد. پایگاه خانوادگی زن و شوهر از لحاظ وضعیت اجتماعی و مادی و همچنین سطح سواد زن و شوهر نسبت به یکدیگر از جمله این ویژگی‌هاست که در اینجا مورد بررسی قرار گرفته است. پاسخ‌های آزمودنیها در باره اینکه "مایلد وضع خانوادگی، مادی و اجتماعی همسر آینده‌تان نسبت به شما چگونه باشد" در جدول شماره ۷ خلاصه شده است، همانطور که در این جدول مشاهده می‌شود هم در بررسی اخیر و هم در بررسی قبلی اکثریت به برابری وضعیت خانوادگی زن و شوهر تمایل داشته‌اند و این تمایل در طول زمان افزایش یافته است. چنانکه تمایل دختران به برابری از ۵۸/۸ درصد در تحقیق قبلی به ۷۰/۱ درصد در پژوهش فعلی رسیده و در پسران این تمایل از ۶۹/۰ درصد به ۷۳/۱ درصد رسیده است. نکته قابل توجه این است که دختران بیشتر تسلیم هنجارهای سنتی هستند، بطوری که در هر دو پژوهش نزدیک به ۳۲ درصد آنان مایلند که خانواده شوهر از وضعیت بالاتری برخوردار باشد و درصد ناچیزی از آنان به پایین تر بودن خانواده شوهر از لحاظ وضعیت اجتماعی و مادی تمایل نشان داده‌اند.

جدول ۷: درصد فراوانی پاسخ‌ها در مورد تفاوت وضع خانوادگی، مادی اجتماعی
دلخواه همسر آینده نسبت به خود فرد

نتایج پژوهش قبلی (۱۳۵۳)		نتایج این پژوهش		چگونگی تفاوت
دختران	پسران	دختران	پسران	وضع خانوادگی همسر
۳۱/۹	۱۵/۲	۲۸/۶	۱۱/۱	بالاتر
۵۸/۸	۶۹/۰	۷۰/۱	۷۳/۱	برابر
۰/۸	۱۳/۰	۱/۳	۱۵/۷	پایین تر

در مورد ویژگی سطح سواد نیز همین وضعیت به شکل حادثری مشاهده می‌شود. نتایج مندرج در جدول شماره ۸ گویای آن است که بیش از ۶۰ درصد دختران در پژوهش فعلی و ۷۵ درصد آنان در پژوهش قبلی به بالاتر بودن سواد همسر آینده‌شان تمایل نشان داده‌اند و درصد ناچیزی از آنان عکس آنرا می‌خواهند. اما تمایل به برابری سطح سواد در بین دختران افزایش یافته و درصد فراوانی آن از ۲۲/۸ درصد در پژوهش قبلی به ۳۸/۱ درصد در پژوهش فعلی رسیده است. در فرانسه در ۶۶ درصد زناشویی‌ها همسران تحصیلاتی همسان داشته‌اند و اگر اندازه تحصیلات نزدیک به هم و مشابه را نیز به حساب آوریم این نسبت به ۸۸ درصد افزایش خواهد یافت (گیرارد^۱، به نقل از ساروخانی ص ۶۰). برنت^۲ نیز مشاهده کرد در ۷۱ درصد ازدواج‌ها نظام فکری و سطح تحصیلات زن و شوهر یکی بوده است (همان منبع). در مورد لزوم تعادل یا اختلاف سطح تحصیلات زن و شوهر نظرات متفاوت است. مثلاً کارلسون^۳ معتقد است میان تعادل سطح تحصیلات ظاهری زن و شوهر و خرسندی زناشویی وجه مشترکی وجود ندارد. ترمن^۴ هم می‌گوید هنگامی نیکبختی زنان کامل‌تر خواهد شد که شوهر تقریباً پنج سال بیشتر تحصیل کرده باشد اما هامیلیون^۵ عقیده دارد میان سعادت خانوادگی و همگونی تحصیلات بستگی مستقیمی وجود دارد (منبع قبلی، ص ۶۰ و ۶۱).

جدول ۸: درصد فراوانی پاسخها در مورد تفاوت دلخواه وضع سواد همسر

آینده نسبت به خود فرد

نتایج پژوهش قبلی (۱۳۵۳)		نتایج این پژوهش		چگونگی تفاوت وضع سواد همسر
پسران	دختران	پسران	دختران	
۱۴/۶	۷۵/۰	۲۰/۵	۶۰/۴	بالاتر
۵۹/۰	۲۲/۸	۵۷/۰	۳۸/۱	برابر
۲۴/۰	۰/۰	۲۲/۵	۱/۴	پایین

1. A Girrard
2. Berent
3. G. Karlsson
4. L. M. Terman
5. G. V. Hamilton

با وجود آنکه در ویژگی‌های فوق تمایل به نابرابری تا حد زیادی آشکار است اما در مورد حاکمیت نسبی زن و شوهر در خانواده بیش از ۹۵ درصد دختران بر این عقیده‌اند که باید زن و شوهر به یک اندازه قدرت و تسلط داشته باشند (جدول شماره ۹) در حالیکه ۶۹/۶ درصد پسران این برابری را می‌پذیرند و ۲۶/۷ درصد آنان بر این باورند که باید مرد تصمیم‌گیرنده اصلی باشد. در پژوهش قبلی ۸۹/۰ درصد دختران و ۶۵/۳ درصد پسران معتقد به برابری در حاکمیت بوده‌اند. مقایسه این نتایج نشان می‌دهد که با تغییرات فرهنگی و افزایش سطح سواد عمومی بویژه دختران در دهه‌های اخیر نگرش‌ها رفته رفته به سمت برابری حقوق زن و مرد سوق پیدا می‌کند.

جدول ۹: درصد فراوانی پاسخها درباره حاکمیت نسبی زن و شوهر در خانواده

نتایج این پژوهش		نتایج پژوهش قبلی (۱۳۵۳)		حاکمیت نسبی
۲۶/۷	۲/۹	۳۲/۹	۹/۱	مرد تصمیم‌گیرنده اصلی باشد
۳/۷	۱/۸	۰/۳	۰/۸	زن تصمیم‌گیرنده اصلی باشد
۶۹/۶	۹۵/۳	۶۵/۳	۸۹/۰	هردو به یک اندازه قدرت و تسلط داشته باشند

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

ازدواج با خویشاوندان

ازدواج با خویشاوندان از دیرباز در بین ایرانیان رسم بوده است. اما ازدواج‌های فامیلی با خطراتی همراه است که محققان علوم پزشکی همواره درباره آن هشدار داده‌اند. بر این اساس تمایل دانش‌آموزان را به ازدواج‌های فامیلی جویا شدیم که خلاصه نتایج آن در جدول شماره ۱۰ آمده است. جمع‌بندی این نتایج گویای آن است که حدود ۴۲/۵ درصد آزمودنیها تمایل به ازدواج با خویشاوندان دارند. پسران نسبت به دختران تمایل بیشتری به ازدواج‌های خویشاوندی دارند (۴۵ درصد پسران در مقابل ۳۹/۸ درصد دختران). مقایسه نتایج به دست آمده از این پژوهش و پژوهش قبلی نشان می‌دهد که تمایل به ازدواج‌های خویشاوندی در دختران از ۲۸/۲ درصد به ۳۹/۸ درصد افزایش یافته است. همچنین تمایل به ازدواج با خارجی‌ان در بین پسران کمی افزایش یافته (از ۳/۰ درصد به ۷/۰ درصد) و در بین دختران کاهش یافته است (از ۳/۰ به ۱/۷ درصد).

جدول ۱۰: درصد فراوانی پاسخها درباره میزان تمایل به ازدواج با افراد خویشاوند و غیر خویشاوند

نتایج پژوهش قبلی (۱۳۵۳)		نتایج این پژوهش		نسبت
دختران	پسران	دختران	پسران	
۱۰/۲	۱۵/۹	۱۴/۱	۱۶/۸	پسرعمو دخترعمو (عمه) یا پسردایی دختر دایی (خاله)
۱۸/۰	۲۹/۹	۲۵/۷	۲۸/۲	اقوام دیگر
۶۵/۷	۴۶/۹	۵۸/۴	۴۸/۰	یک ایرانی غیر خویشاوند
۳/۰	۳/۰	۱/۷	۷/۰	یک خارجی

از آنجا که فاصله زمانی این دو پژوهش حدود ۲۸ سال می‌باشد، میتوان افراد نمونه پژوهش قبلی را بجای والدین افراد نمونه پژوهش حاضر در نظر گرفت. آنگاه در مقایسه میزان تمایل به ازدواج‌های خویشاوندی در نسل قبل و میزان خویشاوندی والدین نسل جدید، معلوم خواهد شد که تمایلات آنان در عمل به چه سمتی پیش رفته است و چه بخشی از آن تحقیق یافته است. جدول شماره ۱۱ ناظر بر این مقایسه است. چنانکه در این جدول ملاحظه می‌شود، ۴۱/۱ است. جدول ۱۱: مقایسه میزان تمایل به ازدواج خویشاوندی و غیر خویشاوندی آزمونهای قبلی با میزان ازدواج‌های خویشاوندی و غیر خویشاوندی والدین آزمونهای پژوهش قبلی

جدول ۱۱: مقایسه میزان تمایل به ازدواج‌های خویشاوندی و غیر خویشاوندی آزمونهای پژوهش قبلی با میزان ازدواج‌های خویشاوندی و غیر خویشاوندی والدین آزمونهای پژوهش قبلی

نسبت والدین با یکدیگر در این پژوهش (۱۳۸۰)	ترجیح می‌دهید همسر آینده‌تان چه نسبتی باشما داشته باشد (پژوهش ۱۳۵۳)	نسبت
۲۴/۸	۱۳/۱	پسرعمو دخترعمو (عمه) پسر دایی دختر دایی (خاله)
۲۹/۶	۲۸/۰	اقوام دورتر
۴۵/۵	۵۹/۰	غیر خویشاوندی

هدف اصلی ازدواج از دید آزمودنیها

خلاصه نظر دانش‌آموزان نمونه این تحقیق همراه با نتایج تحقیق قبلی در زمینه هدف اصلی ازدواج در جدول شماره ۱۲ آمده است. چنانکه در این جدول مشاهده می‌شود بیشترین فراوانی پاسخ‌ها در این پژوهش مربوط به گزینه‌ای است که هدف ازدواج را پیدا کردن دوست و رفیق همیشگی قلمداد می‌کند که ۶۴/۸ درصد پسران و ۴۰/۱ درصد دختران آن را عنوان کرده‌اند. پس از آن گزینه پیدا کردن کسی که به زندگی آدم سرو سامانی دهد با فراوانی ۳۹/۲ درصد در بین دختران و ۱۹/۱ درصد در بین پسران هدف مهم ازدواج قلمداد شده است. اما در پژوهش قبلی بیشتر دختران (۴۰/۶ درصد) هدف اصلی ازدواج را ارضای نیازهای بدنی زن و شوهر دانسته‌اند، ۲۳/۹ درصد پسران هم این پاسخ را داده‌اند. همچنین ۲۸/۶ درصد پسران در مقابل ۱۸/۸ درصد دختران تولید فرزند و ادامه نسل را هدف اصلی بر شمرده‌اند. این مقایسه نشان دهنده تغییر نگرش از جنبه‌های فیزیولوژیکی به سوی ابعاد اجتماعی ازدواج است.

جدول ۱۲: درصد فراوانی پاسخها درباره هدف اصلی ازدواج

نتایج پژوهش قبلی (۱۳۵۳)		نتایج این پژوهش		هدف ازدواج
دختران	پسران	دختران	پسران	
۱۸/۸	۲۸/۶	۳/۰	۶/۰	تولید فرزند و ادامه نسل
۴۰/۶	۲۳/۹	۲/۷	۸/۶	ارضای نیازهای بدنی زن و شوهر
۳/۸	۲/۴	۶۴/۸	۴۰/۱	پیدا کردن دوست و رفیق همیشگی
۸/۷	۲۳/۳	۱۹/۱	۳۹/۲	پیدا کردن کسی که به زندگی آدم سرو سامان بدهد
۳/۴	۱/۶	۱۰/۴	۶/۱	یافتن حامی و پشتیبان
۷/۰	۱۳/۳	-	-	برای عشق

اهمیت نسبی عشق و منطق در بنای ازدواج

در جدول شماره ۱۳ فراوانی پاسخ‌های آزمودنی‌ها در مورد اینکه ازدواج باید براساس عشق پایه‌گذاری شود یا منطق، درج شده است. تحلیل این یافته‌های نشان می‌دهد که در حال حاضر در انتخاب همسر، تأکید جوانان بیشتر بر واقعیت‌ها همراه با توجه به عشق و علاقه است، چنانکه ۶۰/۴ درصد دختران و ۳۹/۹ درصد پسران در پژوهش فعلی این گزینه را پاسخ داده‌اند. در پژوهش قبلی نیز بیشترین فراوانی پاسخ دختران و پسران مربوط به همین گزینه بوده است.

۳۸/۳ درصد). در باقی پاسخها هم آنجا که تأکیدی بر عشق و علاقه شده فراوانیها قابل ملاحظه است اما پاسخ آخر که ملاحظات منطقی را بدون توجه به عشق و علاقه مورد تأکید قرار می‌دهد کمترین فراوانی را دارد.

جدول ۱۳: درصد فراوانی پاسخها درباره اهمیت نسبی عشق و منطق در ازدواج

نتایج پژوهش قبلی (۱۳۵۳)		نتایج این پژوهش		مبنای ازدواج
دختران	پسران	دختران	پسران	
۲۵/۶	۳۲/۴	۸/۷	۲۱/۱	عشق و علاقه شدید بین طرفین
۲۷/۹	۱۹/۷	۲۷/۵	۳۲/۵	بیشتر بر مبنای عشق ولی با توجه به واقعیتها
۳۸/۳	۳۸/۳	۶۰/۴	۳۹/۹	بیشتر بر مبنای واقعیتها با توجه به عشق
۱/۵	۳/۷	۳/۴	۶/۵	بر مبنای ملاحظات منطقی وبدون توجه به عشق

اهمیت نسبی بعضی خصوصیات مطلوب همسر

نمودار شماره یک اهمیت نسبی بعضی خصوصیات مطلوب همسر را در نظر دختران و پسران گروه نمونه تحقیق نشان می‌دهد. این نمودار درصد اهمیت هر خصوصیت را در کنار خصوصیات دیگر نشان می‌دهد. چنانکه ملاحظه می‌شود از ده خصوصیتی که اهمیت نسبی آنها از نظر آزمودنیها مطرح شده است، "زیبایی و جمال" همسر با فراوانی ۱۹/۳ درصد در نظر پسران و "اخلاق و سازگاری" همسر با فراوانی ۱۵/۳ درصد در نظر دختران بیشترین اهمیت را دارند. پس از آن از نظر پسران "اصالت خانوادگی" (۱۲/۰٪)، "اخلاق و سازگاری" (۱۱/۷٪) و "مذهبی بودن" (۱۱/۴٪) و سپس "سواد و تحصیلات" (۱۰/۸٪)، "روشنفکری و معلومات" همسر (۱۰/۶٪) به ترتیب دارای بیشترین اهمیت هستند. از نظر دختران نیز به ترتیب "سواد و تحصیلات" (۱۲/۰٪)، "مذهبی بودن" (۱۱/۴٪)، "اصالت خانوادگی" (۱۱/۰٪) و سپس "زیبایی و جمال" (۱۰/۵٪) و "روشنفکری و معلومات" همسر (۱۰/۵٪) حایز اهمیت می‌باشند. در این میان "هنرمندی و سلیقه" همسر از نظر هر دو گروه دارای کمترین اهمیت بوده است (۷/۵٪).

مقایسه این نتایج با نتایج حاصل از پژوهش قبلی نشان از تغییرات عمده‌ای در نگرش جوانان نسبت به خصوصیات مطلوب همسر دارد. چنانکه آزمودنیهای تحقیق قبلی بیشترین اهمیت

را به "سواد و معلومات" همسر آینده داده‌اند (۲۰/۶ درصد پسرها و ۲۰/۵ درصد دخترها) در مرتبه دوم "اخلاق و سازگاری" مد نظر آنها بوده است (۱۶/۵ درصد پسرها و ۲۰/۴ درصد دخترها) پس از آن در نظر پسران "زیبایی و جمال" (۱۵/۷٪) "خانه‌داری و سلیقه" (۱۴/۹٪) و "مذهبی بودن" (۱۰/۲٪) و در نظر دختران "شغل" (۱۶/۱۳٪) "هنرمندی و روشنفکری" (۱۰/۹٪) و "زیبایی همسر آینده" (۹/۹٪) در مراتب بعدی اهمیت قرار داشته‌اند.

بخشی از این یافته‌ها با بعضی فرضیات نظریه مبادله همخوانی دارد. بر اساس این نظریه، مردان بیشتر به جوانی و جذابیت فیزیکی زنان توجه دارند و زنان بیشتر به درآمد کار مردان (سات، ۱۹۹۱).

میزان گرایش به زندگی با والدین خود یا والدین همسر بعد از ازدواج

از دانش‌آموزان متوسطه درباره میزان تمایل به زندگی با والدین خود یا همسر پس از ازدواج سؤال شد. خلاصه نتایج بدست آمده همراه با نتایج حاصل از تحقیق قبلی در جدول شماره ۱۴ آمده است. اکثریت دختران هم در تحقیق جاری (۷۲/۰٪) و هم در تحقیق قبلی (۶۳/۲٪) تمایل به زندگی مستقل ولی در نزدیکی والدین خود یا همسر دارند. درصد زیادی از پسران نیز در هر دو پژوهش (پژوهش جاری ۷۳/۶ درصد و پژوهش قبلی ۴۲/۹ درصد) همین تمایل را داشته‌اند. اما تمایل به استقلال و دوری از والدین در دخترها بیش از پسرها به چشم می‌خورد. چنانکه در پژوهش حاضر ۲۵/۷ دختران در مقابل ۱۶/۸ پسران و در پژوهش قبلی نیز ۲۶/۶ دختران در مقابل ۱۲/۵ درصد پسران اظهار گرایش به دور بودن از والدین خود و همسر نموده‌اند.

جدول ۱۴: درصد فراوانی پاسخها درباره میزان گرایش به زندگی با والدین

پس از ازدواج

شرح	نتایج این پژوهش		نتایج پژوهش قبلی (۱۳۵۳)	
	پسران	دختران	پسران	دختران
با والدین خود	۷/۴	۰/۳	۲۷/۷	۳/۴
با والدین همسر	۲/۲	۲/۰	۱۴/۱	۳/۲
مستقل ولی نزدیک والدین خود	۷۳/۶	۷۲/۰	۴۲/۹	۶۳/۳
مستقل ولی نزدیک والدین خود و همسر	۱۶/۸	۲۵/۷	۱۲/۵	۲۶/۶

نگرانیهای جوانان در زمینه ازدواج

یکی از موارد نگرانی جوانان در زمینه ازدواج این است که نتوانند همسر دلخواه خود را پیدا کنند. اطلاعات مندرج در جدول شماره ۱۵ نشان می‌دهد که ۴۲ درصد دختران و ۳۶/۷ درصد پسران در پژوهش حاضر نگرانی خود را در این مورد بصورت جدی (اغلب اوقات) بیان کرده‌اند که در مقایسه با نتایج پژوهش قبلی که ۲۴/۹ درصد دختران و ۳۶/۱ درصد پسران این پاسخ را داده‌اند، معلوم می‌شود این نگرانی برای دختران در طول زمان افزایش یافته است. همچنین بیش از $\frac{1}{3}$ پاسخگویان نیز اظهار نموده‌اند که بطورنسبی (گاهی) این نگرانی را دارند. عده کسانی که اظهار عدم نگرانی کرده‌اند در پژوهش قبلی حدود ۲۰ درصد دختران و پسران بوده و در پژوهش حاضر عده پسران (۲۹ درصد) در مقایسه با دختران (۲۰/۵ درصد) بیشتر بوده است که می‌تواند ناشی از محدودیتهای فرهنگی خاصی باشد که برای دختران وجود دارد.

نگرانی دیگر از این است که افراد نتوانند به موقع ازدواج کنند. حدود ۴۹ درصد دختران و ۵۴ درصد پسران در این پژوهش از اینکه به موقع نتوانند ازدواج کنند به نحوی اظهار نگرانی کرده‌اند. این موضوع در تحقیق قبلی مطرح نشده است.

جدول ۱۵: درصد فراوانی پاسخها در مورد نگرانیهای ازدواج

نتایج پژوهش قبلی		نتایج این پژوهش		موضوع
دختران	پسران	دختران	پسران	نگرانی درباره پیدا کردن همسر دلخواه
۲۴/۹	۳۶/۱	۴۲/۰	۳۶/۷	بلی اغلب
۵۱/۸	۴۳/۲	۳۷/۵	۳۴/۳	بلی گاهی
۲۱/۶	۱۹/۲	۲۰/۵	۲۹/۰	خیر
				نگرانی درباره ازدواج به موقع
-	-	۱۵/۸	۲۲/۹	بلی اغلب
-	-	۳۳/۰	۳۱/۰	بلی گاهی
-	-	۵۱/۲	۴۶/۱	خیر

میزان تأثیر شانس در ازدواج از نظر آزمودنیها

از آزمودنیها پرسیده شد "بعد از همه تلاشی که برای انتخاب بهترین فرد ممکن برای همسری بعمل می‌آورند در نهایت چند درصد آن به شانس و اقبال بستگی دارد و از اختیار شما خارج است" دامنه پاسخها بین ۰ تا ۱۰۰ متغیر بود. خلاصه پاسخها در جدول شماره ۱۶ دسته بندی شده است. از آنجا که پاسخ "۵۰ درصد" توسط بسیاری از آزمودنیها تکرار شده بود، این پاسخ به عنوان یک مقوله جداگانه دسته بندی شده است. ارقام این جدول نشان دهنده آن است که دختران بیش از پسران ازدواج خود را به شانس و اقبال وابسته می‌دانند چنانکه با توجه به ستون درصد فراوانی تجمعی، ۶۳/۶ درصد دختران در مقابل ۴۶/۰ درصد پسران، حداقل ۵۰ درصد موفقیت ازدواج را ناشی از شانس دانسته‌اند. با توجه به محدودیتهای فرهنگی که برای دختران وجود دارد این تفاوت به طور کامل قابل انتظار است. اما توجه به پاسخهای پسران نیز بیانگر آن است که بطور کلی محدودیتهای فرهنگی برای هر دو جنس وجود دارد و باعث می‌شود افراد نتوانند با دید باز ازدواج کنند، چنانکه پسران هم بخش قابل توجهی از موفقیت در ازدواج و انتخاب همسر را به شانس و اقبال نسبت داده و از اختیار خود خارج دانسته‌اند.

جدول ۱۶: درصد فراوانی پاسخ آزمودنیها درباره میزان تأثیر شانس در ازدواج

میزان تأثیر		پسران		دختران
شانس ازدواج		درصد	درصد تجمعی	
بیشتر از ۷۵ درصد	۷/۶	۷/۶	۱۵/۴	۱۵/۴
۵۱ تا ۷۵ درصد	۱۱/۹	۱۹/۵	۱۱/۳	۲۶/۷
۵۰ درصد	۲۶/۵	۴۶/۰	۳۶/۹	۶۳/۶
۲۶ تا ۴۹ درصد	۲۰/۷	۶۶/۷	۱۵/۰	۷۸/۶
۱۰ تا ۲۵ درصد	۲۷/۲	۹۳/۷	۱۶/۴	۹۵/۰
کمتر از ۱۰ درصد	۶/۳	۱۰۰	۴/۹	۹۹/۹

ازدواج با افراد بیگانه و غیر هم دین

جدول شماره ۱۷ به مقایسه نتایج پژوهش حاضر با پژوهش قبلی درباره میزان موافقت دانش آموزان متوسطه با ازدواج افراد ایرانی با غیر ایرانی و پیروان ادیان و مذاهب دیگر اختصاص یافته است. این نتایج نشان می‌دهد در حالیکه میزان موافقت دانش آموزان متوسطه درباره ازدواج دختران و پسران ایرانی با افراد غیر ایرانی نسبت به قبل کاهش یافت است اما میزان موافقت آنان با ازدواج با افراد غیر هم کیش و پیروان ادیان و مذاهب دیگر بیشتر شده است. چنانکه موافقت دختران با ازدواج افراد با غیر هم دین خود از ۱۴/۸ درصد در تحقیق قبلی به ۲۳/۴ درصد و موافقت پسران در این باره از ۲۵/۴ درصد به ۳۴/۰ درصد افزایش یافته است. به عبارت دیگر از میزان تعصبات مذهبی در نگرش جوانان نسبت به ازدواج کاسته شده ولی تعصبات ملی آنان افزایش پیدا کرده است.

مقایسه نظرات دختران و پسران نیز نشان می‌دهد که هم در حال حاضر و هم در پژوهش قبلی پسران عموماً تعصب کمتری از خود نشان داده‌اند و تقریباً در همه موارد درصد موافقت پسران با ازدواج افراد ایرانی با غیر ایرانی و غیر هم دین بیشتر از دختران بوده است.

جدول ۱۷: نگرش دانش آموزان متوسطه نسبت به ازدواج افراد ایرانی با غیر

ایرانی و پیروان ادیان و مذاهب دیگر

نتایج پژوهش قبلی		نتایج این پژوهش		موضوع
دختران	پسران	دختران	پسران	ازدواج پسران ایرانی با دختران ممالک دیگر
۳۲/۶	۴۰/۰	۱۷/۶	۳۶/۶	موافق
۶۴/۵	۵۷/۵	۸۲،۴	۶۳/۴	مخالف
				ازدواج دختران ایرانی با پسران ممالک دیگر
۲۸/۳	۲۷/۳	۱۸/۷	۲۳/۲	موافق
۶۶/۲	۶۹/۳	۸۱/۳	۷۶/۸	مخالف
				ازدواج افراد هم کیش با پیروان ادیان و مذاهب دیگر
۱۴/۸	۲۵/۴	۲۳/۴	۳۴/۰	موافق
۸۰/۱	۶۸/۵	۷۶/۶	۶۶/۰	مخالف

تعداد مطلوب فرزندان

یکی از ابعاد نگرش جوانان درباره ازدواج تداوم نسل و تولید فرزند است. تعداد مطلوب فرزندان در نظر جوانان می‌تواند دورنمای رشد جمعیت را نیز ترسیم کند. در جدول شماره ۱۸ خلاصه نتایج بدست آمده در مورد تعداد مطلوب فرزندان در شرایط موجود و شرایط مناسب اقتصادی بصورت درصد فراوانی ذکر شده است و در پایین جدول نیز میانگین و انحراف معیار تعداد مطلوب فرزندان به تفکیک برای گروه‌های دختر و پسر و نیز بطور کلی قید شده است. ارقام این جدول نشان می‌دهد که اکثر جوانان داشتن ۲ فرزند را مناسب می‌دانند ۶۶/۲ درصد پسران و ۶۸/۴ درصد دختران در شرایط موجود داشتن ۲ فرزند را مطلوب دانسته‌اند. در شرایط مناسب اقتصادی نیز ۴۷/۱ درصد پسران و ۶۵/۱ درصد دختران همان ۲ فرزند را کافی می‌دانند.

جدول ۱۸: تعداد مطلوب فرزندان از نظر جوانان در شرایط فعلی

و شرایط اقتصادی مناسب

تعداد مطلوب فرزندان در شرایط اقتصادی مناسب		تعداد مطلوب فرزندان در شرایط موجود		تعداد فرزندان
پسران %	دختران %	پسران %	دختران %	
۸/۵	۱۵/۸	۱۰/۷	۲۵/۱	۰-۱
۴۷/۱	۶۵/۱	۶۶/۲	۶۸/۴	۲
۱۸/۱	۱۱/۱	۱۳/۳	۴/۵	۳
۱۸/۲	۷/۲	۷/۸	۱/۶	۴
۷/۹	۰/۸	۱/۸	۰/۴	۵ و بیشتر
۲/۷۳	۲/۱۲	۲/۲۵	۱/۸۴	میانگین گروهی
۱/۱۸	۰/۸۰	۰/۸۷	۰/۶۳	انحراف معیار گروهی
۲/۴۳		۲/۰۵		میانگین کل
۱/۰۶		۰/۷۹		انحراف معیار

از مقایسه میانگین‌ها نیز چنین بر می‌آید که در حالت کلی میانگین تعداد مطلوب فرزندان در شرایط مناسب اقتصادی (۲/۴۳) بالاتر از مقدار مشابه در شرایط موجود (۲/۰۵) است. به بیان

روشن تر اگر شرایط اقتصادی مناسب باشد افراد مایلند تعداد بیشتری فرزند داشته باشند. همچنین از مقایسه میانگین‌های مربوط به دختران و پسران نیز معلوم می‌شود که در هر دو شرایط دختران تعداد کمتری فرزند می‌خواهند بدین ترتیب دور نمای میانگین تعداد فرزندان نسل آینده را می‌توان بین ۲ تا ۲/۵ نفر پیش بینی کرد.

بدیهی است کنترل تعداد فرزندان نیاز به آگاهی از روش‌های پیشگیری و تنظیم خانواده دارد. تاکنون این قبیل آموزش‌ها بطور فراگیر در برنامه آموزش عمومی کشور قرار نگرفته است. بنظر می‌رسد زمان مناسب برای ارایه آموزش‌های مربوط به بهداشت ازدواج و تنظیم خانواده تابعی از شرایط اجتماعی و فرهنگی جامعه باشد. جمع‌بندی نظرات دانش‌آموزان درباره زمان مناسب برای آموزش در جدول شماره ۱۹ آمده است. چنانکه در این جدول ملاحظه می‌شود، حدود ۴۰ درصد دانش‌آموزان زمان مناسب را در دوره دبیرستان و نزدیک به ۵۵ درصد نیز زمان مناسب را کمی قبل از ازدواج دانسته‌اند. در تحقیق قبلی عقاید دانش‌آموزان در مورد جلوگیری از حاملگی پرسیده شده که بیش از ۹۵ درصد دختران و ۹۳ درصد پسران با آن موافق بوده‌اند. در تحقیق حاضر با توجه به موافقت عمومی درباره پیشگیری، زمان مناسب برای آموزش آن مد نظر قرار گرفت.

جدول ۱۹: درصد فراوانی پاسخ آزمودنیها درباره زمان مناسب برای آموزش‌های بهداشتی ازدواج و تنظیم خانواده

نتایج این پژوهش		زمان آموزش
دختران	پسران	
۲/۸	۳/۳	دوره راهنمایی
۳۹/۹	۴۰/۹	دوره دبیرستان
۵۵/۱	۵۲/۱	کمی قبل از ازدواج
۲/۱	۳/۳	بعد از ازدواج

میزان موافقت با چند همسری مردان

میزان موافقت افراد مورد مطالعه با چند همسری مردان در جدول شماره ۲۰ آمده است. مقایسه نتایج حاصل از تحقیق فعلی و تحقیق قبلی در این جدول نشان می‌دهد که میزان موافقت با

چند همسری مردان در بین دختران و پسران افزایش یافته است. دختران موافق با چند همسری مردان در تحقیق قبلی ۴/۰ درصد بوده که در تحقیق فعلی به ۵/۹ درصد رسیده است. اما در بین پسران درصد موافقان با چند همسری مردان افزایش چشمگیری یافته و از ۱۳/۴ درصد تحقیق قبلی به ۲۲/۵ درصد در تحقیق فعلی رسیده است.

جدول ۲۰: میزان موافقت جوانان با چند همسری مردان

پاسخها	نتایج این پژوهش		نتایج پژوهش قبلی (۱۳۵۳)	
	پسران	دختران	پسران	دختران
موافق	۲۲/۵	۵/۹	۱۳/۴	۴/۰
مخالف	۷۷/۵	۹۴/۱	۸۴/۷	۹۴/۳

جایز دانستن حق طلاق و جدایی

پاسخ دانش‌آموزان متوسطه به این سؤال که "به نظر شما اگر دو نفر پس از ازدواج احساس کنند دیگر نمی‌توانند با هم زندگی کنند آیا جامعه باید به آنها حق جدایی یا طلاق بدهد؟" در جدول شماره ۲۱ درج شده است. چنانکه ملاحظه می‌شود ۶۶/۱ درصد پسران و ۶۳/۹ درصد دختران به این سؤال جواب مثبت داده‌اند و به هر حال طلاق را جایز دانسته‌اند. نتایج پژوهش قبلی نشان می‌دهد که پیش از این ۷۸/۰ درصد پسران و ۷۶/۷ درصد دختران با طلاق در چنین شرایطی موافق بوده‌اند. بدین ترتیب طی سه دهه اخیر نگرش‌ها به طلاق منفی‌تر شده و تعداد موافقان طلاق حدود ۱۲ درصد کاهش یافته است.

جدول ۲۱: درصد فراوانی پاسخ‌آزودنیها درباره جایز شمردن حق طلاق

پاسخها	نتایج این پژوهش		نتایج پژوهش قبلی (۱۳۵۳)	
	پسران	دختران	پسران	دختران
بلی	۶۶/۱	۶۳/۹	۷۸/۰	۷۶/۷
خیر	۳۳/۹	۳۶/۱	۱۹/۵	۲۱/۱

عدم تمایل به ازدواج

طی سؤالی از دانش آموزان پرسیده شد " آیا هیچ وقت بطور جدی فکر کرده‌اید که اصلاً ازدواج نکنید؟" نتایج بدست آمده در جدول شماره ۲۲ حاکی از آن است که ۳۰/۳ درصد پسران و ۲۵/۳ درصد دختران به این سؤال جواب مثبت داده‌اند. در مقایسه با نتایج پژوهش قبلی در این زمینه که ۱۷/۶ درصد پسران و ۲۰/۰ درصد دختران چنین پاسخی داده بودند، عدم تمایل به ازدواج با گذشت زمان بیشتر شده است.

در پایان اضافه می‌نماید که ۷۵/۸ درصد دختران و ۶۱/۷ درصد پسران اظهار داشته‌اند. که برای انتخاب همسر نیاز به مشاوره دارند.

جدول ۲۲: درصد فراوانی پاسخها درباره تصمیم به ازدواج نکردن

پاسخها	نتایج این پژوهش		نتایج پژوهش قبلی (۱۳۵۳)	
	پسران	دختران	پسران	دختران
بلی	۳۰/۳	۲۵/۲	۱۷/۶	۲۰/۰
خیر	۶۹/۷	۷۴/۷	۸۱/۴	۷۷/۴

نتایج

باتوجه به توصیفی بودن یافته‌های این تحقیق و شرح مقوله‌های مورد بررسی در بخش پیشین، در اینجا فقط به جمع بندی و خلاصه مطالب در قالب نکات زیر اکتفا می‌گردد:

۱- به نظر می‌رسد مشکل اصلی ازدواج در نظر پسران با توجه به نقش سنتی مرد به عنوان نان‌آور خانواده، بیشتر جنبه اقتصادی دارد در حالیکه دختران بیشتر نگران پیدا کردن همسر دلخواه خود هستند که شاید ریشه در محدودیت‌های فرهنگی دارد.

۲- طی دهه‌های اخیر گرایش به آزادی عمل برای انتخاب همسر در بین دختران افزایش یافته‌است، همچنین دختران و پسران بیشتر مایلند خود در مورد انتخاب همسر آینده خود تصمیم بگیرند.

۳- با گذشت زمان اهداف فیزیولوژیکی ازدواج مثل بقای نسل کم اهمیت تر شده و اهداف اجتماعی آن اهمیت بیشتری یافته است.

۴- جوانان به هنجارهای فرهنگی جامعه پایبندند و معاشرت‌های قبل از ازدواج را با هدف

شناخت متقابل و در حد قابل قبول جامعه می‌خواهند.

۵- گرایش عمومی جوانان به بالاتر بودن سن مرد نسبت به زن در هنگام ازدواج و برابری وضع خانوادگی، سواد و حاکمیت طرفین در خانواده است و این گرایش‌ها با گذشت زمان افزایش یافته است.

۶- از لحاظ خصیصه‌های فردی، پسران بیشترین اهمیت را برای جذابیت فیزیکی (زیبایی و جمال) زن قایل هستند، در حالیکه دختران بیشتر به سازگاری و اخلاق مرد بها می‌دهند.

۷- بخش قابل توجهی از احتمال موفقیت در ازدواج را جوانان به شانس و اقبال یعنی عواملی که در کنترل آنان نیست نسبت می‌دهند. دختران بویژه با این مساله بطور حادتری دست به گریبان هستند.

۸- میانگین سن مطلوب ازدواج در شرایط اقتصادی موجود در نظر دختران حدود ۲۱/۵ سال و در نظر پسران حدود ۲۵ می‌باشد و در شرایط بهتر تمایل به ازدواج در سنین پایین‌تر دارند.

۹- با توجه به نظر آزمودنیها در مورد تعداد مطلوب فرزندان پس از ازدواج، دورنمای تعداد فرزندان را برای نسل آینده باید ۲ الی ۲/۵ نفر برآورد کرد که بازهم متأثر از شرایط اقتصادی است.

منابع

- ۱- بررسی وضعیت ازدواج و طلاق در استان فارس، مجموعه مقالات اقتصادی و اجتماعی، شماره هشتم، سازمان برنامه و بودجه استان فارس، ۱۳۷۱.
- ۲- ساروخانی، باقر، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده، انتشارات سروش، چاپ سوم، تهران، ۱۳۷۹.
- ۳- مهاجرانی، علی‌اصغر، روند انتقال و تحول خانواده در ایران و جهان، جمعیت، شماره ۱۷، ص ۱۶-۱۰، ۱۳۷۵.
- ۴- سالنامه آماری ۱۳۷۵، مرکز آمار ایران، ۱۳۷۶.
- ۵- سگالن، مارتین، جامعه‌شناسی تاریخی خانواده، ترجمه حمید الیاسی، نشر مرکز، تهران، ۱۳۷۰.

6. South Scott J. (1991). Socio-Demographic Differentials in Mate Selection Preferences. *Journal of Marriage and the Family*, Vol. 53(4), PP. 928-40.
7. Wooldredge J. (1989). Marriage Choices in North Carolina and Virginia, 1969-71 and 1979-81. *Journal of Marriage and the Family*, Vol. 51, PP.465-81.
8. Xiaohe XU, and Martin King Whyte. (1990). Love Matches and Arranged Marriages: A Chinese Replication. *Journal of Marriage and the Family*, Vol. 52, PP.709-22.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی